

کیفر قتل نفس

در شمار پیش پاورد احمال دور زمانه‌ی از وضع دنیای قدیم را در باره مجازات قتل نفس دانسیم و سونوهای از عقائد شرایع و مکتبهای دیگر را در این باره بر شمریم ، و رویهم رفته آگاه شدیم که معمولاً ادیان و شرایع گذشته کیفر قتل نفس را قتل دانسته‌اند، ولی با دقت بیشتر و با یک برداشت کلی در یافتیم که پیروان این ادیان در مقام تشن و اجرای حکم با احسان افراط را گرفته و با راه تقریباً پیسودمانند .

از تشریح احکام تورات فلی معلوم شد که پیسودمان در تشریح قوانین کیفری خود جانب «حجی علیه» را گرفته و بدون هیچگونه لغزش و گذشت ، قتل و جانی ، را واجب دانسته‌اند (۱) و این خود تشریح است در شان «جانی» و فراط است در باره «حجی علیه» . و بنا برهم و در راه زیادی از دانشمندان از تورات حنا انجیل کنونی روشن گردید که با تشریح مقاومت کردن و گفتن قاتل بعنوان کیفر و مجازات قتل نفس در دستورات مسیحیان وجود ندارد (۲) و «ولی ۴۵» مؤلف است که قاتل را «تور» عقوبت و عتابش قرار دهد . و این حکم هم بر عکس حکم تورات در جهت نفس و در باره «حجی علیه» و فراط در باره «جانی» قرار گرفته است .

و در قوانین قدیم روم هم دیدیم که طبق سیستم و نظام منحصط طمقاتی چگونه «جانی طبقه اشراقه» مورد املک و رحمت قرار میگیرد و «جانی طبقه غیر شریفه» با چه قسوتی کیفر میبیند و بدین ترتیب تبعیضات و فراط و تقریبها بطرز زیادی در اجرای قوانین کیفری وجود داشت . و بالاخره در اعراب عصر جاهلیت هم ملاحظه کردیم که اجرای مجازات قتل نفس

۱ - سفر خروج - باب ۲۱ - ۱۲ - ۲۶ - سفر تثبیه - باب ۱۹ - ۱۰ - ۱۴

۲ - انجیل متی - باب پنجم شماره ۱۷ - ۱۸

عادلانه نبود ، و گاه بجای قاتل دیگری را می‌کشتند و یا چند نفر را در برابر یک نفر قتل میرسانند ! ...



این نموداری اروضع «نهای قدیم» دربارهٔ کیفر قتل بود ولی اسلام در این باره مانند موارد دیگر بر طبق قاعده انتخاب و اختیار داصلح ، حدوسط (۱) را اختیار نموده و در میان اینکه قاتل را محکوم بقتل میکند به ولی دم هم اختیار داده تا از ریختن خون قاتل درگذرد و بگرفتن به (خونخوا) اکتفاء نماید .

اسلام در مسیر انتخاب حدوسط ، اصولی را مقرر داشته که نظام کیفری خود را بر اساس آن اصول شوری عادلانه وضع نموده که هیچگاه از مقتضای حق و عدالت تجاوز نتموده و همانند سایر مکتبها راه اسراف و تقصیر را پیش نگرفته است و مادر اینجا به پاره‌ای از اصول مزبور اشاره میکنیم :

۱ - همانطور که در بحثهای گذشته داشتیم اسلام چنان جامعه‌ای میسازد که معمولاً قتل در آن اتفاق نیفتد ، حرمی بوجود میآورد و همانطور که تشریح کردیم وضع و احراز محازاتهای از حمله کیفر قتل در اسلام بعنوان آخرین سلاح آسمانی عادلانه ترین صورت بکار برده شده و راههای پیشگیری حرم و قتل از قبول تهذیب اخلاق و تربیت و ایجاد عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلمها و نابسامانیها در درجه اول اهمیت قرار دارد ، و اگر گناه و بیگناه در بارهٔ وحشیانه بودن مجازات اعدام زرم معنائی بگوش میرسد و عدای تحت تأثیر احساسات و عواطف کاذب کیفر دادن قتل نفس را با اعدام شایسته نمیدانند ، و میگویند قاتل را بر عدالتهای اجتماعی و سیستمهای منطبق اقتصادی و اداره ارتکاب قتل کرده است و خاتم این باید عرصه اصلاح و تربیت او بر آید نه اینکه وی را در جنگال قصاص و کیفر ساندازیم ، دربارهٔ جامعه‌ای که اسلام ساخته بهیچوجه صدق نمی‌کند زیرا اسلام پس از فراغ کامل از سازندگی با اجتماع انسانی سالم به توجه به کلیه جهات بنیادی و مصالح ساختمانی آن ، کیفر گناهان را تشریح نموده و مجازات اعدام را در مورد جنایت قتل نفس در چنین جامعهٔ ویژه و بسو نه‌ای مقرر داشته است ، و کشتن قاتل را که جلورسد در جامعهٔ صحیح و واقعی اسلامی مسلمانی را بکشد واجب دانسته ، آیهٔ نه واجب دمینی بلکه واجب و اخیری ،

آیات قصاص که در قرآن مجید نازل شده دلیل بر این مطلب است و موارد بحثهای بعد به تشریح

بقیه درس ۶۴

(۱) و كذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس (سور فالقوره - ۱۴۳) .

۳ - مصونیت غلله و دارائی آنها تا خانه جنگ!

و در خانه اضافه کرد که هر کس آنها را تحقیر نماید، بی درنگه تکبیر خواهد

شد ۱۱۵

گمبیر دو نوزاد مینویسد: و سر کردها و سواران جنگی خود، در فکر تدارک بودند که قتر باشوی و شرف به تهیه و تدارک برداشتنند، هر کس خانه و تاکستان و ممالک خود را انداخته یا آنها را به ثمن بخی می فروخت و بوجد و سرور عازم میشد. آنجا که میدید بنگار سفر نمیرود، بمحله تمام، پول میگرد، قترا، گاو خود را مانند اسب نعل کرده به عرابه می بستند و آذوقه و فرزندان خریدار خود را بر عرابه نهادند از قبال خود میکشیدند، اطفال خریدار بقر قلعه و باخانه که می رسیدند، می رسیدند، بیت المقدس اینجاست ۱۱۶ و چون کسانی که آماده حرکت، برای این جنگ شده بودند، روی سینه و پیراهن خود نشان صلیب دوخته بودند، این جنگ را «جنگ سلیمی» میگویند ۳

مادر شماره آینده قجایع اعمال مسیحیان بشر دوستها در این جنگها از قول دوست و دشمن نقل خواهم کرد تا خواننده گان محترم بدانند این بشر دوستان، در زیر ماسک فریفتند و بشر دوستی! چه اعمال تنگبینی مرتکب شده اند ۱۱۶

بقیه از ص ۶۰

این آیات خواهیم پرداخت.

رسول گرامی اسلام میفرموده: کشتن مسلمانان را هر کس بکشد کسی که مرتکب یکی از سه جرم گردد. کسیکه به گناه بر رگه زبانی محضند آلوده شود و در این جرم کرد، شخصی که مسلمانان را از روی عمد بکشد، و فردی که از اسلام خارج گردد و با خدا و رسول او بیخوارده بر خیزد او کشته میشود یا به دار آویخته خواهد شد و با او اتمید میکنند (۳).
در این اصل اسلام جانب تقربت مسیحیان را از محرم و کفر و کفر نفسی را مهمل نگذاشته و آثار سوئی که در اثر این جنایت به جامعه بشری میرسد، نادیده نگرفته است.

انتقام

(۱) جنگهای سلیمی ج ۱ ص ۷۶ - تاریخ قرون وسطی ج ۲ ص ۲۵۱ - تاریخ تمدن ویل

دوران ج ۱۳ ص ۷

(۲) تاریخ قرون وسطی ج ۲ ص ۲۵۲

(۳) همان مصدر ص ۲۴۸

(۴) لایحل قتل مسلم الا باحدى ثلاث خصال: زان محسن قهر جم، و رحل یقتل مسلماً متعمداً فیقتل، و رحل یخرج من الاسلام فیحارب الله ورسوله فیقتل، او یصلب، او یثنی من الارض.